

نص اقتصاد  
را در دست بگیرید

# چارسوق

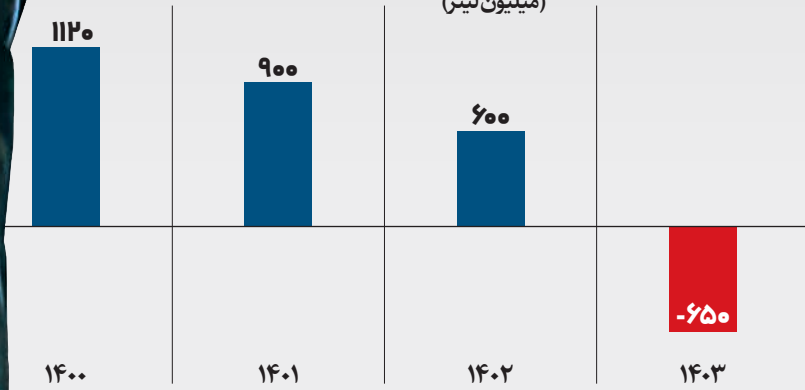
# معاونت کتاب

محمد جعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی دولت پزشکیان، دوشنبه شب در گفت‌وگوی تلویزیونی ادعاهای خلاف واقعی به دولت شهید رئیسی نسبت داد. قائم‌پناه در این برنامه چند بار با بی‌ادبی به مجری تلویزیون که نسبت به گرانی‌ها انتقاد داشت، پرخاش کرد. چارسوق، اظهارات خلاف واقع قائم‌پناه را بررسی کرد.

**نرخ تورم** قائم‌پناه مدعی شد که نرخ تورم در زمان تحویل به دولت چهاردهم نزدیک به ۵۰ درصد بوده و در دولت پزشکیان پایین آمده است.

تورم	پایان دولت شهید رئیسی	آبان ۱۴۰۴
تورم نقطه به نقطه کل (مرکز آمار)	۳۱,۶	۴۹,۴
تورم نقطه به نقطه کل (مواد غذایی)	۲۴,۴	۶۶,۲
تورم میانگین ۱۲ ماهه (مرکز آمار)	۳۴,۸	۴۰,۴
تورم نقطه به نقطه کل (بانک مرکزی سال پایه ۱۴۰۰)	۳۵,۶	۴۷,۶
تورم میانگین ۱۲ ماهه (بانک مرکزی سال پایه ۱۴۰۰)	۴۰,۲	۴۱

میزان پرتشدگی یا تخلیه ذخایر گازوئیل در ۳ ماهه شهریور تا انتهای آبان (میلیون لیتر)

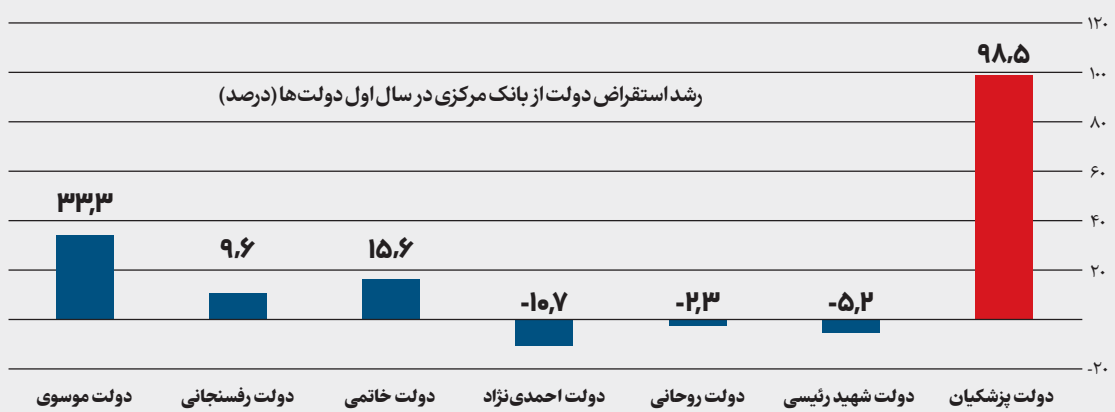


## ذخایر سوخت نیروگاه‌ها

قائم‌پناه مدعی شد که ذخایر سوخت نیروگاه‌ها در زمان تحویل به دولت چهاردهم ۸۰۰ میلیون لیتر بوده و علت خاموشی‌های پاییز و زمستان سال گذشته، کم‌کاری دولت سیزدهم بوده است. این در حالی است که سال گذشته هم سازمان بازرسی کل کشور این ادعا را رد و اعلام کرد ذخایر سوخت نیروگاه‌ها در زمان تحویل به دولت چهاردهم در سطح معمول بوده است.

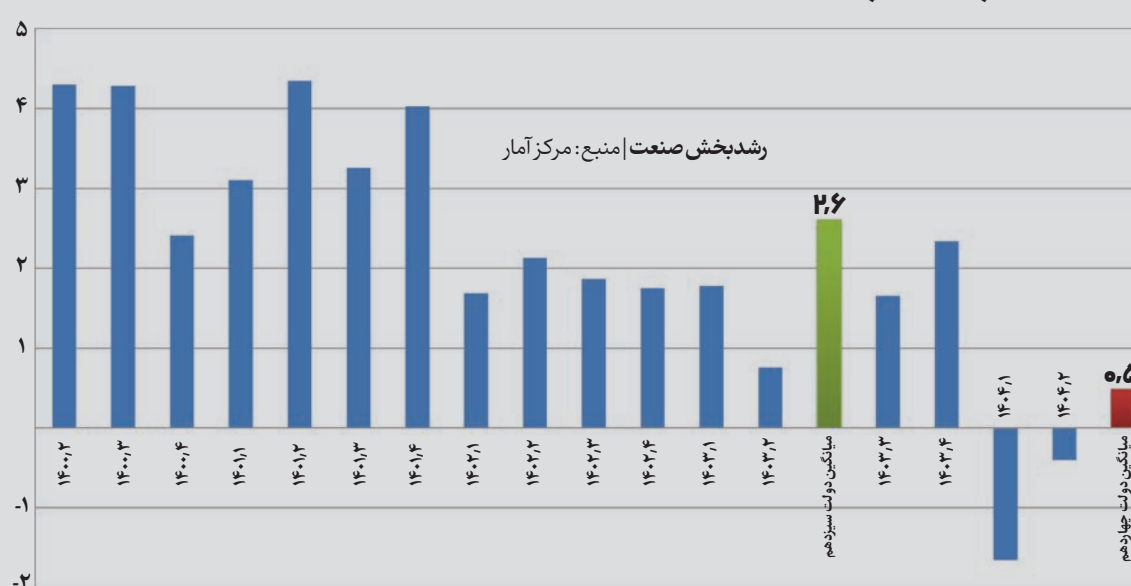
## چاپ پول

قائم‌پناه همچنین مدعی شد که دولت چهاردهم همچون دولت قبل برای رفع کسری بودجه خود پول چاپ نمی‌کند. این ادعا کاملاً نادرست است چراکه دولت پزشکیان در سال اول فعالیتش با رشد ۹۸٫۵ درصدی بدهی به بانک مرکزی، رکورددار استقرض است.



## قطع گاز صنایع

قائم‌پناه در پاسخ به این سوال که در دولت قبل گاز صنایع و مردم قطع نشد، گفت: شما خبر ندارید. قطع می‌شد. اگر دولت سیزدهم به ادعای قائم‌پناه همچون دولت چهاردهم برق صنایع را قطع می‌کرد باید رشد صنایع در آن دولت نیز همچون دولت پزشکیان منفی می‌شد.



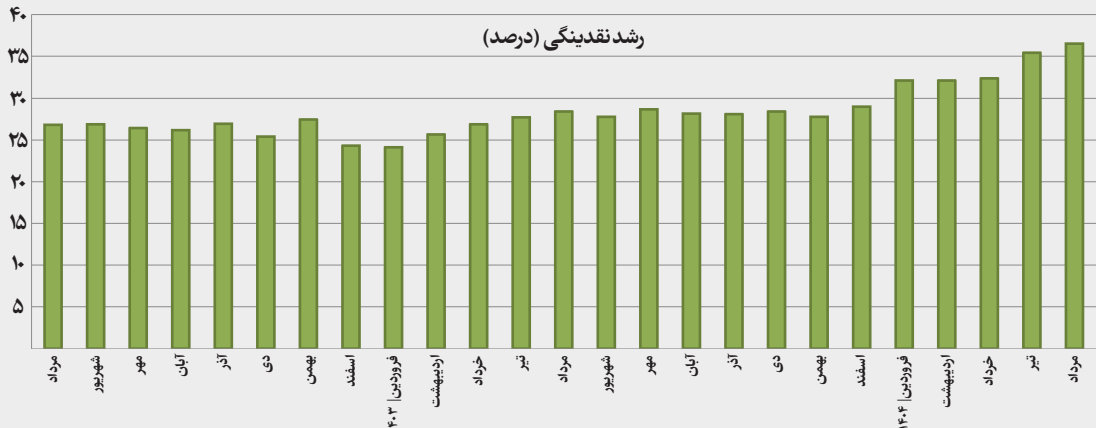
## تحویل مسکن

قائم‌پناه همچنین از افزایش چند برابری ساخت مسکن خبر داد و گفت: از سال ۹۸ تا شهریور ۱۴۰۳ چند تا مسکن تحویل داده شده؟ ۲۱ هزار، یعنی سالی چقدر؟ چهار هزار و دویست تا در یک سال قبل از ۱۴۰۳، امسال چقدر است؟ ۵۴ هزار مسکن. چند برابر شده؟ این در حالی است که در ۳ سال دولت شهید رئیسی نزدیک به ۶۰۰ هزار مسکن تحویل مردم شده بود. آمار ساخت مسکن در دولت شهید رئیسی به شرح زیر است:

- مسکن روستایی اتمام یافته تا خردادماه سال ۱۴۰۳ حدود ۳۲۷ هزار و ۸۲۵ واحد
- مسکن مهر اتمام یافته تا تیرماه سال ۱۴۰۳، ۱۳۳ هزار و ۳۲۱ واحد
- مسکن‌های بافت فرسوده شهری اتمام یافته تا تیرماه سال ۱۴۰۳ حدود ۱۰۱ هزار واحد
- مسکن اتمام یافته توسط نیروهای مسلح تا تیرماه سال ۱۴۰۳ حدود ۲۴ هزار واحد

تا زمان تحویل دولت سیزدهم در طرح نهضت ملی بیش از ۵۶۰ هزار واحد تکمیل و اتمام یافته بود.

**نقدینگی** معاون اجرایی دولت پزشکیان مدعی شد که این دولت به دنبال کنترل نقدینگی است. این در حالی است که نرخ رشد نقدینگی که در پایان دولت شهید رئیسی به ۲۸٫۴ درصد رسیده بود در مرداد سال جاری ۳۶٫۶ درصد افزایش یافته است.



# معاون کذاب

محمد جعفر قائم پناه، معاون اجرایی دولت پزشکیان، دوشنبه شب در گفت و گوی تلویزیونی ادعاهای خلاف واقعی به دولت شهیدرئیس نسبت داد. قائم پناه در این برنامه چند بار با بی ادبی به مجری تلویزیون که نسبت به گرانی ها انتقاد داشت، پرخاش کرد. در این گزارش، اظهارات خلاف واقع قائم پناه را بررسی کردیم.



## تحويل مسکن

معاون اجرایی پزشکیان همچنین از افزایش چند برابری ساخت مسکن خبر داد و گفت: از سال ۹۸ تا شهریور ۴۰۳ چند تا مسکن تحويل داده شده؟ ۲۱ هزار. یعنی سالی چند؟ چهار هزار و دویست تا در یک سال قبل از ۴۰۳. امسال چند است؟ ۵۴ هزار مسکن. چند برابر شده؟ این در حالی است که در ۳ سال دولت شهیدرئیس نزدیک به هزار مسکن تحويل مردم شده بود. آمار ساخت مسکن در دولت شهیدرئیس به شرح زیر است:

- مسکن روستایی اتمام یافته تا خردادماه سال ۱۴۰۳ حدود ۳۲۷ هزار و ۸۲۵ واحد
- مسکن مهر اتمام یافته تا تیرماه سال ۱۴۰۳ بالغ بر ۱۳۳ هزار و ۳۲۱ واحد
- مسکن های بافت فرسوده شهری اتمام یافته تا تیرماه سال ۱۴۰۳ حدود ۱۰۱ هزار واحد
- مسکن اتمام یافته توسط نیروهای مسلح تا تیرماه سال ۱۴۰۳ حدود ۲۴ هزار واحد
- تا زمان تحويل دولت سیزدهم به دولت چهاردهم در طرح نهضت ملی بیش از ۵۶۰ هزار واحد تکمیل و اتمام یافته بود.

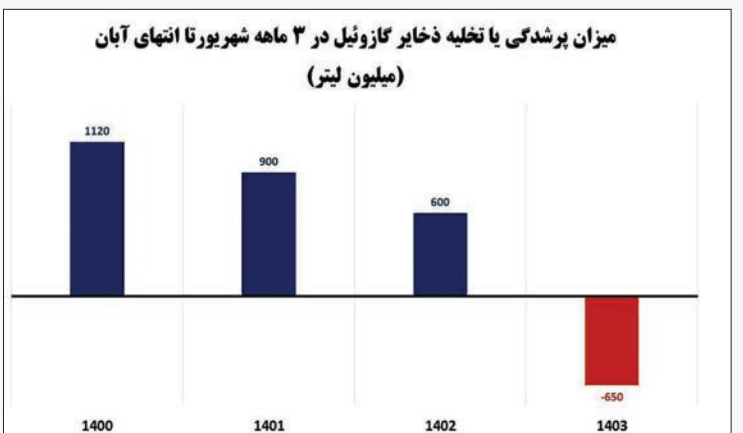
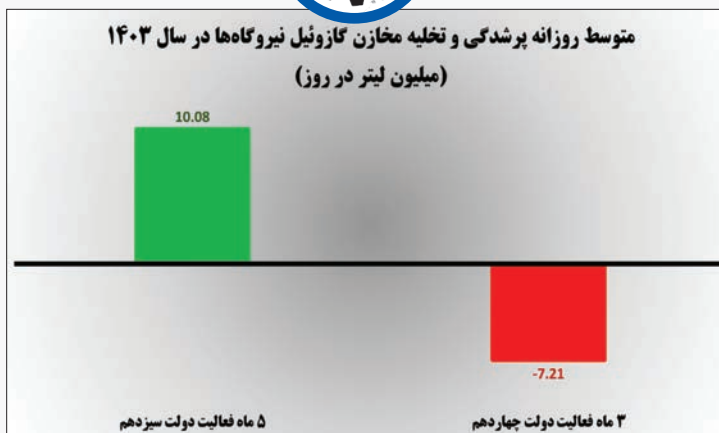
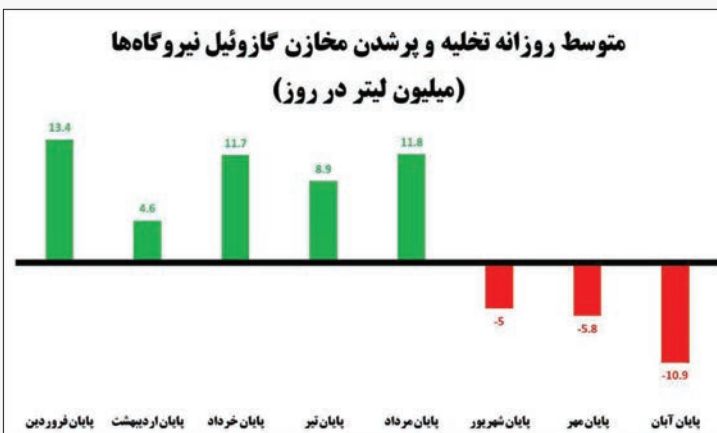


## نرخ تورم

قائم پناه مدعی شد که نرخ تورم در زمان تحويل به دولت چهاردهم نزدیک به ۵۰ درصد بوده و در دولت پزشکیان پایین آمده است. این ادعای معاون اجرایی دولت چهاردهم کاملاً کذب است. طبق آمار بانک مرکزی و مرکز آمار، نرخ تورم در دولت چهاردهم نسبت به پایان دولت سیزدهم افزایش شدیدی داشته است. براساس گزارش بانک مرکزی و مرکز آمار، نرخ تورم در ۱۲ ماه پایانی دولت سیزدهم کمالاتزولی بود. مثلاً طبق گزارش مرکز آمار تورم نقطه به نقطه شاخص کل از ۳۹،۸ درصد در مرداد ۱۴۰۲ به ۳۱،۶ درصد در مرداد ۱۴۰۳ کاهش یافت. این روند نزولی در تورم مواد غذایی نمود بیشتری داشت به طوری که تورم نقطه به نقطه مواد غذایی از ۳۸،۳ درصد در مرداد ۱۴۰۲ به ۲۴،۴ درصد در مرداد ۱۴۰۳ رسیده بود. اما در دولت چهاردهم به شدت تورم مواد غذایی بالا رفته و در آبان امسال به ۶۶ درصد رسیده است. براساس گزارش بانک مرکزی، نرخ تورم نقطه به نقطه از ۴۸،۳ درصد در مرداد ۱۴۰۲ به ۳۵،۶ درصد در مرداد ۱۴۰۳ کاهش یافته بود اما با شروع دولت چهاردهم مجدداً روند افزایشی نرخ تورم شروع شده و در آبان امسال به ۴۷،۶ درصد رسیده است.

پایان دولت شهیدرئیس آبان ۱۴۰۴		
تورم نقطه به نقطه کل (مرکز آمار)	۳۱،۶	۴۹،۴
تورم نقطه به نقطه کل (مواد غذایی)	۲۴،۴	۶۶،۲
تورم میانگین ۱۲ ماهه (مرکز آمار)	۳۴،۸	۴۰،۴
تورم نقطه به نقطه کل (بانک مرکزی سال پایه ۱۴۰۰)	۳۵،۶	۴۷،۶
تورم میانگین ۱۲ ماهه (بانک مرکزی سال پایه ۱۴۰۰)	۴۰،۲	۴۱

## ذخایر سوخت نیروگاه ها



نیروگاه ها از نفت گاز یعنی گاز و تیل بیشتری استفاده کرده و این موضوع زمینه کاهش حجم مخازن نفت گاز را فراهم کرده است. با توجه به این مسئله و برای بررسی دلایل آن، کارگروهی در سازمان بازرسی تشکیل شده و تحقیقات لازم از شرکت ملی گاز و توانیر در دست اقدام است. در صورتی که احراز شود، مسئولان دستگاه های اجرایی ترک فعلی بابت تأمین سوخت مورد نیاز واحدهای نیروگاهی داشته اند، مراتب مورد پیگیری قضایی قرار خواهد گرفت.

مخازن نیروگاه ها از اوایل شهریورماه سال ۱۴۰۳ نه تنها افزایش نیافته بلکه کاهش محسوسی را نشان می دهد. در دلایل این کاهش، گفته شده است که مقایسه حجم نفت و گاز تحويل شده به نیروگاه ها از ابتدای سال های شهریور ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳ و تا پایان آذر همین سال ها، حاکی از تحويل نفت گاز بیشتر طی سال ۱۴۰۳ بوده است. این امر نشان می دهد که در شهریور و مهر ۱۴۰۳، میزان مصرف نیروگاه ها در ایامی که نیاز کمتری به مصرف گاز در شبکه سراسری مصرف خانگی بوده به دلیل کاهش مصرف گاز، این

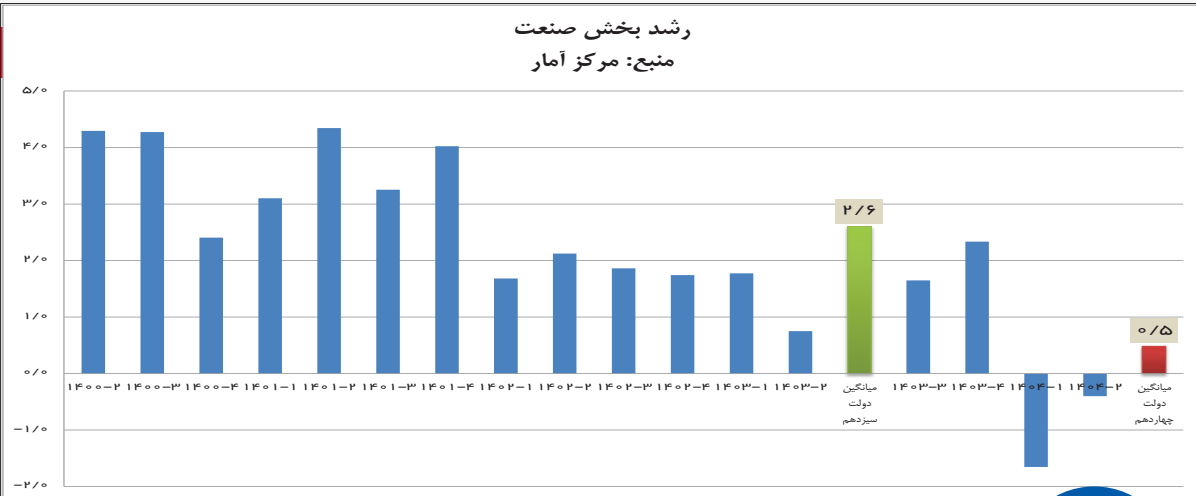
سوخت جایگزین نیروگاه ها توسط دولت سیزدهم، دلیل کمبود سوخت نیروگاه ها و قطع برق بوده، دی ماه سال گذشته سخنگوی دستگاه قضا اعلام کرد، با پیگیری که از سازمان بازرسی کل کشور داشتم گزارش دادند که بررسی حجم گاز و تیل ذخیره شده در مخازن نیروگاه های ملی سال ۱۴۰۳ با سال های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ حاکی از این است که حجم نفت گاز ذخیره شده در اوایل شهریور سال ۱۴۰۳ با میزان ذخایر سال گذشته یکسان بوده است. سخنگوی دستگاه قضا، خاطرنشان کرد: برخلاف سال گذشته، حجم

قائم پناه مدعی شد که ذخایر سوخت نیروگاه ها در زمان تحويل به دولت چهاردهم ۸۰۰ میلیون لیتر بوده و علت خاموشی های پاییز و زمستان سال گذشته، کم کاری دولت سیزدهم بوده است. این در حالی است که ذخایر سوخت نیروگاه ها در زمان تحويل به دولت چهاردهم یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون لیتر بوده، ۸۰۰ میلیون لیتر. ضمن اینکه قبلاً هم سازمان بازرسی این ادعای مسئولان دولت چهاردهم را رد کرده بود. در حالی که مسئولان دولت پزشکیان، درباره علت خاموشی ها مدعی بودند که کاهش ذخیره

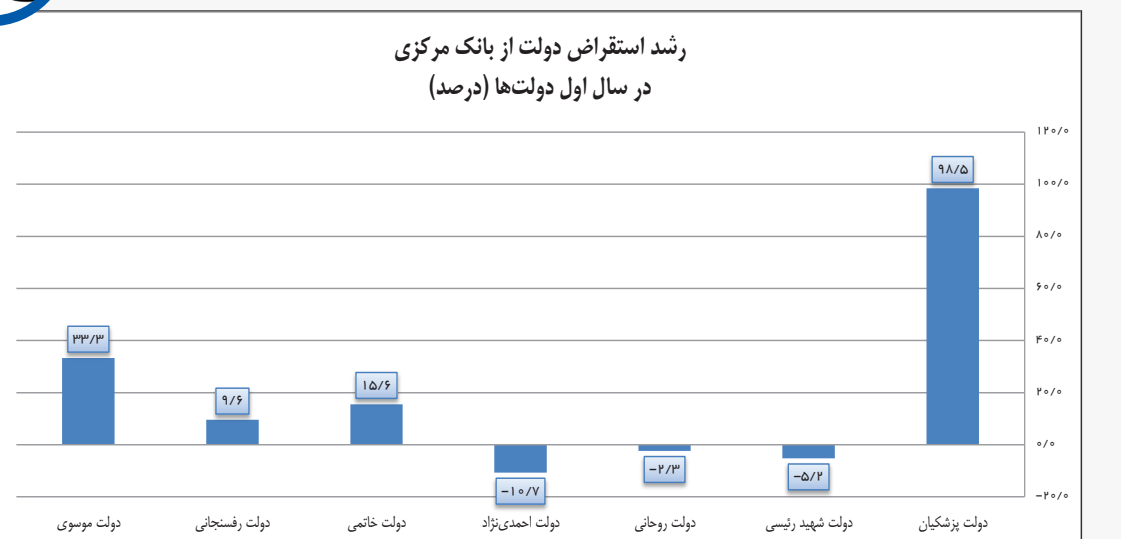
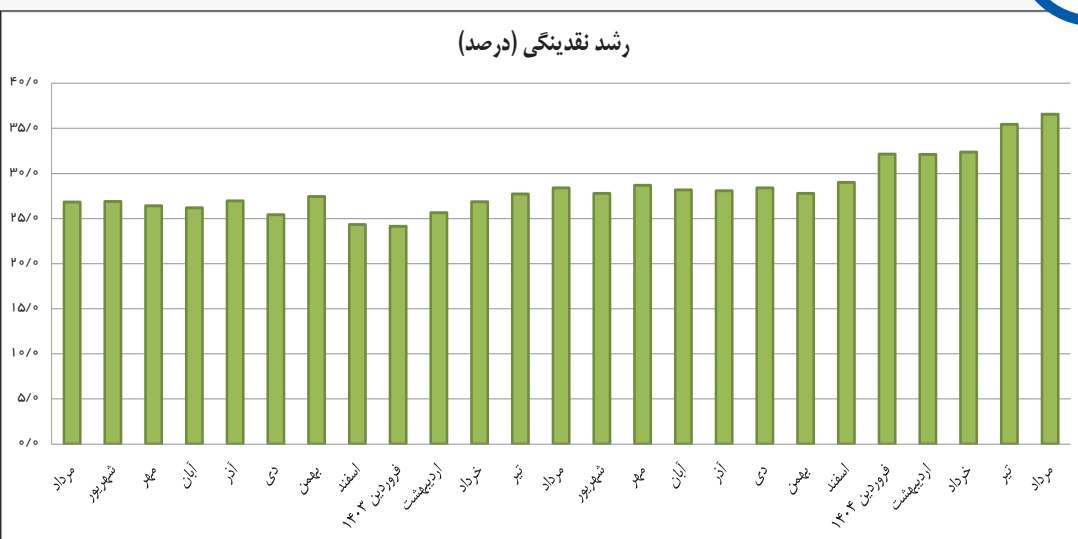
## قطع گاز صنایع

قائم پناه در پاسخ به این سوال که در دولت قبل گاز صنایع و مردم قطع نشد، گفت: شما خبر ندارید. قطعاً قطع می شد. اشکال دولت آقای پزشکیان این است که همه چیز را شفاف به مردم می گوید و چیزی را از مردم پنهان نمی کند. مردم هم دارند می بینند. اگر کسی این را انکار می کند، با واقعیت ها فاصله دارد. این اظهار نظر قائم پناه هم خلاف واقع است. چرا که مردم به یاد دارند در ۳ ساله که دولت شهیدرئیس بر سر کار بود، حتی یک ساعت هم برق منازل قطع نشد. همچنین تأمین برق صنایع به طور برنامه ریزی شده انجام می شد تا تولید نخواهد.

نتیجه تأمین برق صنایع را باید در افزایش چشمگیر رشد تولید صنایع در دولت سیزدهم یافت. اگر دولت سیزدهم به ادعای قائم پناه همچون دولت چهاردهم برق صنایع را قطع می کرد باید رشد صنایع در آن دولت نیز همچون دولت پزشکیان منفی می شد. طبق گزارش مرکز آمار، متوسط رشد فصلی بخش صنعت در دولت سیزدهم ۲،۶ درصد و در ۴ فصل نخست دولت پزشکیان فقط ۰،۵ درصد بوده است. یعنی رشد بخش صنعت نسبت به دولت سیزدهم کمتر از یک پنجم شده است. ضمن اینکه رشد بخش صنعت در دو فصل بهار و تابستان امسال به علت قطع گسترده برق آنها منفی شده است. در حالی که در دولت شهیدرئیس هیچ گاه رشد بخش صنعت منفی نشد.



## نقدینگی



ادامه کار نتوانست آن انضباط پولی را حفظ کند و طی ۸ سال مجموعاً استقراض از بانک مرکزی را بیش از ۱۰ برابر کرد؛ اما دولت های احمدی نژاد و شهیدرئیس در طول فعالیت خود نتوانستند استقراض از بانک مرکزی را همچون سال اول مدیریت کنند. اگر متوسط سالانه افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی در طول فعالیت دولت ها را مقایسه کنیم، دولت روحانی همچنان رتبه اول بیشترین استقراض از بانک مرکزی را دارد چرا که در طول ۸ سال استقراض دولت از بانک مرکزی حدود ۹۴۶ درصد بیشتر شد که متوسط سالانه آن ۱۸ درصد می شود. یکی از اقدامات مهم و اساس



## خدا حافظی برنج با ارز ترجیحی بازار را به تعادل می‌رساند؟

### گزارش

دنیال حذف ارز برنج خارجی با نوساناتی روبروست که مسئولان امر اذعان می‌کنند با توزیع برنج‌های تنظیم بازار، روند کاهشی قیمت‌ها، بازار به ثبات آرامش می‌رسد.

در همین راستا جبرئیل برادری رئیس سازمان جهاد کشاورزی از توزیع بیش از ۸ هزار تنی برنج با قیمت ۱۱۰ تا ۱۸۰ هزار تومان در استان تهران خبر داد و گفت: رصد بازرسی بر بازار کالاهای اساسی تشدید شده است.

غلامرضا نوری قزلبچه وزیر جهاد از افزایش ۳۰ درصدی تأمین و تدارکات کالاهای اساسی برای ایام ماه رمضان و نوروز نسبت به مدت مشابه سال قبل خبر داد و گفت: با اتخاذ این تدابیر، با اطمینان بیشتری وارد تنظیم بازار ماه‌های آتی می‌شویم و براین اساس بازار ماه‌های آینده متعادل خواهد بود.

**تداوم توزیع برنج تنظیم بازار عامل اصلی کاهش قیمت برنج ایرانی خارجی**

رضا کنکری رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی گفت: طی ۱۵ روز

### اخبار



### گام اول مدیریت مصرف انرژی: اصلاح زیرساخت‌های فرسوده

رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران با تأکید بر لزوم نوسازی زیرساخت‌ها در حوزه انرژی، گفت: در این مسیر باید از تکنولوژی‌های روز و هوش مصنوعی استفاده شود، همچنین داده‌های مؤثر در فرآیند اصلاح قیمت، احصا و عوامل تشدیدکننده، هم‌افزا و حتی پدیده‌های پروانه‌ای، شناسایی و پیش‌بینی شود و برای هر سناریو روش‌های اجرایی طراحی و پیارانه‌ها در نقاط درست، متمرکز شود.

آرش نجفی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران با اشاره به اتلاف گسترده منابع انرژی در کشور از سالیان دور، اظهار داشت: برآورده‌ها نشان می‌دهد به طور متوسط سالانه حدود ۱۳۰ میلیارد دلار اتلاف انرژی و پیارانه پنهان در کشور وجود دارد که بخش عمده آن به حوزه انرژی مربوط است. به گفته وی میبخت انرژی در ایران باید کاملاً مهندسی شده باشد، بدون احصای دقیق داده‌ها، امکان مدیریت این حجم از هدررفت وجود ندارد. نجفی با اشاره به جلسه با سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی افزود: در این نشست، موضوعات کارشناسی مختلف به ویژه درباره قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی بررسی شد و جمع‌بندی مشترک این بود که صرفاً با افزایش قیمت نمی‌توان به نتیجه مؤثر و پایدار رسید. مرور تاریخچه افزایش قیمت حامل‌های انرژی به خصوص بنزین، نفت سفید و گازوئیل نیز نشان می‌دهد در دوره‌های مختلف، افزایش قیمت به تنهایی به موفقیت منجر نشده است و حتی دولت‌ها در مواردی ناچار به عقب‌نشینی هم شده‌اند.

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران تأکید کرد: مسیر درست این است که ابتدا با روش‌های تخصصی، شناخته‌شده و مبتنی بر مدیریت و برنامه‌ریزی، فرآیند بهینه‌سازی مصرف انرژی آغاز شود و سپس با یک فاصله زمانی مناسب و محاسبه‌شده، اصلاح قیمت‌ها انجام گیرد. وی در پاسخ به اینکه مشوق دولت مردم‌پس‌تر یا بابت همکاری در مدیریت مصرف انرژی چه مواردی می‌تواند باشد؟ گفت: اصلاح ساختار پیارانه‌ها باید با یک روش کاملاً علمی و برنامه‌ریزی‌شده انجام شود اما در حال حاضر اگرچه بسیاری بر سر هدف کلی توافق دارند، اما مدل‌های اجرایی و روش‌های پیشنهادی ایرادات جدی دارد و تصمیم‌گیری نیازمند جمع‌بندی کارشناسی قاطع است. فضای تصمیم‌سازی درباره نحوه طراحی سازوکار همراه‌سازی مردم مغفول مانده و باید به طور جدی در جلسات تخصصی بررسی شود. رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران با تأکید بر ضرورت نوسازی زیرساخت‌ها در حوزه انرژی اضافه کرد: در این مسیر باید از تکنولوژی‌های روز دنیا و به طور مشخص از هوش مصنوعی استفاده شود، داده‌های مؤثر در فرآیند اصلاح قیمت، احصا و عوامل تشدیدکننده، هم‌افزا و حتی پدیده‌های پروانه‌ای شناسایی و پیش‌بینی شود تا پیش از وقوع تنش‌ها، برای هر سناریو روش‌های اجرایی مناسب طراحی و پیارانه‌ها هدفمند در نقاط درست متمرکز شود.

### بازی کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای پشتِ دستِ جهش‌های ارزی

بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از روزه‌های اصلی عدم ایفای تعهدات ارزی صادرکنندگان و بانزنگشتن ارز حاصل از صادرات، کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای است و اخیراً با اصلاح شرایط دریافت کارت بازرگانی و ابطال کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای، این روزه تا حدود زیادی مسدود شده است.

گاهی بررسی ارقام کلان بدون توجه به جزئیات آن موجب خطای تحلیلی می‌شود و این مسئله به‌طور مشخص در حوزه ارزی کشور در حال حاضر مشاهده می‌شود.

جریان ورودی و خروجی ارز در صادرات و واردات کالا و خدمات قابل محاسبه است، اما ارقام کلان مشخص نمی‌کنند چه میزان از درآمد صادرات وارد چرخه تأمین ارز کشور شده است. این حرفه‌ها معمولاً زمانی بروز می‌کند که بانک مرکزی و نهادهای رسمی اطلاعات دقیق و برخط در اختیار نداشته باشند یا مقررات صدور کالا با اشکالاتی رویه‌رو باشد.

در همین رابطه، مدتی پیش گنج‌پز زاده، معاون ارزی بانک مرکزی، گفت حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد منابع ارزی خارج از نظام بانکی ایجاد می‌شود و بازگشت ارز حاصل از صادرات، اگرچه در حال انجام است، اما با موانع متعددی همراه است. در سال ۱۴۰۳ حدود ۱۸ میلیارد دلار عدم بازگشت ارز ثبت شد و این رقم در سال جاری تاکنون به حدود ۹ میلیارد دلار رسیده است و پرونده این افراد به مراجع قضایی و دستگاه‌های ذی‌ربط ارسال شده است.

بنابراین، طبق این اطلاعات، با وجود آنکه در سال ۱۴۰۳ به اعلام گمرک ۵۷ میلیارد و ۸۴۴ میلیون دلار کالا صادر شده، در عمل تنها حدود ۳۹ میلیارد دلار از صادرات غیرنفتی برای نیازهای کشور به داخل فروخته شده است. عدم بازگشت ارز حاصل از صادرات موجب شکل‌گیری صف تقاضای ارز در تالارهای مرکز مبادله ارز و طلا شده و همین مسئله بهای ارز در بازار غیررسمی و سپس بازار رسمی را افزایش می‌دهد.

**اجاره کارت‌های بازرگانی: روزه‌ای برای عدم بازگشت از صادرات**  
با توجه به ممنوعیت عدم ایفای تعهدات ارزی صادرکنندگان، سؤال مطرح است که چگونه برخی صادرکنندگان ارز حاصل از صادرات را بازمانی گردانند؟  
بررسی‌های بانک مرکزی و سازمان توسعه تجارت نشان می‌دهد عمده ارزهایی که بازمانی گردد، مربوط به صادراتی است که با اجاره کارت‌های بازرگانی انجام شده است. معاون ارزی بانک مرکزی گفته است: «در دو سال اخیر حدود ۹۰۰ کارت بازرگانی اجاره‌ای که تعهد ارزی بیش از ۱۵ میلیارد دلار آنها ایفا نشده بود، شناسایی شده است. ۱۵ نفر از این افراد به‌تنهایی حدود ۶ میلیارد دلار تعهد ارزی دارند که آدرس بسیاری از آنها در روستاهای دورافتاده و شهرهای مرزی ثبت شده است.»  
آمار صدور کارت‌های بازرگانی از ۴ هزار و ۳۵۳ فقره در سال ۱۳۹۱ در یک روند افزایشی به ۸ هزار و ۲۳۰ فقره در سال ۱۳۹۳ رسید و میزان صدور کارت بازرگانی در سال‌های ۹۴ تا ۹۸ در حدود ۸ تا ۷ هزار فقره در سال در نوسان بود. از



سال ۱۴۰۰ روند صدور کارت بازرگانی افزایش یافت، اما در سال ۱۴۰۳ این رقم به یک‌باره با جهشی ۲۰۵ برابری به ۳۳ هزار و ۷۸۱ فقره رسید.

**ابطال کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای پس از اصلاح شرایط دریافت کارت**  
به نظر می‌رسد یکی از مسیرهایی که دولت می‌تواند مانع عدم ایفای تعهدات ارزی صادرکنندگان شود، بانزنگری در مقررات شرایط دریافت کارت بازرگانی است. لامعی، مدیر اداره ایش بازار ارز بانک مرکزی، روز گذشته در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری «درباره کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای چین در ایران، ضروری است سازوکارهای مالی مشخص مانند استفاده از یوان، تعریف حساب امانی، تهاتر کالا

و بیمه صادراتی برای مقابله با موانع بانکی و مالی ایجاد شود. مشابه محدودیت‌هایی بود که سازمان توسعه تجارت و وزارت صنعت، معدن و تجارت وضع کردند. اخیراً نتایج مذاکرات دوساله مبنی بر اینکه کارت‌های مذکور منجر به ایجاد شبهه عدم بازگشت ارز می‌شود، به ثمر نشست و در ماه گذشته فرآیندهای پیش‌بینی شده برای مدیریت کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای اجرایی شد. وی افزود: «صادرکنندگانی بودند که کالا را به مرز منتقل می‌کردند و قصد داشتند با کارت‌های اجاره‌ای صادر کنند، اما کارت بازرگانی آنها

قیمت در بازار آزاد به نرخ واقعی می‌رسد.

رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی درباره آخرین وضعیت بازار برنج ایرانی بیان کرد: تک‌نرخ شدن ارز منجر به افزایش قیمت برنج ایرانی شد به طوری که هر کیلو برنج ایرانی ۱۵ تا ۱۶ درصد گران شد که توزیع برنج‌های تنظیم بازار منجر به کاهشی شدن قیمت برنج پاکستانی و ایرانی خواهد شد.

به گفته وی، با توجه به حجم انبوه واردات برنج هندی و پاکستانی، قیمت‌ها از ۱۴۰ هزار تومان فراتر نخواهد رفت چرا که رقابت در بین واردکنندگان ایجاد خواهد شد. همچنین قیمت برنج هندی که به ۱۷۰ هزار تومان رسیده است، توزیع برنج‌های تنظیم بازار منجر به کاهشی شدن قیمت می‌شود.

#### واردات انبوه راه‌حلی برای تنظیم بازار و بازگشت آرامش

امیرآقا جانیان عضو انجمن تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان برنج گفت: حذف ارز ترجیحی در افزایش قیمت برنج خارجی و به دنبال آن برنج ایرانی اثرگذار است، کما اینکه اکنون دلانن مشغول جمع‌آوری و خرید برنج از کشاورزان هستند تا با انبار بتوانند بازار سیاه ایجاد کنند.

به گفته وی، طی هفته‌های گذشته در برخی کالاها افزایش قیمت داشسیم که با حذف ارز ترجیحی در خصوص برنج هم رشد قیمت را خواهیم داشت، کما اینکه اکنون برنج خارجی به وفور موجود نیست.

آقا جانیان با بیان اینکه جو روانی حذف ارز ترجیحی منجر به التهاب بازار برنج خارجی شده است، افزود: دولت با واردات انبوه و ازدیاد عرضه در بازار می‌تواند از آشفته‌بازار جلوگیری کند، در غیر این صورت با نزدیک شدن به بازار ماه رمضان و شب عید دچار نوسان می‌شویم.

این مقام مسئول ادامه داد: دولت‌ها واردات قطره‌چکانی یا انحصار در واردات باید اجتناب کند، همچنین در خصوص برنج ایرانی اراده دولت را می‌طلبد که شرکت‌ها را وادار کند برنج ایرانی با سود منطقی در بازار عرضه کنند، در غیر این صورت با واردات قطره‌چکانی و استمرار روند خرید برنج ایرانی از سوی دلانن و احتکار در انبارها، قیمت برنج ایرانی رشد چشمگیری خواهد داشت. عضو انجمن تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان برنج نرخ کنونی هر کیلو برنج ایرانی در بازار شمال را ۳۳۰ تا ۳۴۰ هزار تومان

خرده‌فروشی ۳۵۰ تا ۳۹۰ هزار تومان اعلام کرد و گفت: گرچه دولت قیمت مصوب برای برنج هندی و پاکستانی اعلام کرده است، اما اکنون با نرخ‌های بالاتر عرضه می‌شود، از این رو اگر تمهیداتی اتخاذ نشود، آشفته‌گی بازار استمرار دارد.

با توجه به آنکه برنج پس از گندم دومین محصول اساسی سبب خائوار محسوب می‌شود، از این رو تشدید نظارت‌ها و اتخاذ سیاست‌های حمایتی مناسب پس از حذف ارز ترجیحی واردات برنج و اثر آن بر قیمت‌ها می‌تواند بر تنظیم بازار و ایجاد شفافیت قیمت اثر بگذارد.

**عدم استمرار عرضه برنج‌های تنظیم بازار و تک‌نرخ شدن ارز بر افزایش قیمت برنج دامن‌زد که اکنون برنج تنظیم بازار به‌صورت انبوه در اتحادیه قرار گرفته است که طی روزهای آتی قیمت‌ها مجدد کاهش خواهد شد**

### پیشنهاد افزایش نرخ خوراک برای پتروشیمی‌های متخلف بازگشت ارز

در شرایطی که اختلاف نرخ ارز، عدم بازگشت ارز صادراتی را به یک انتخاب سودآور تبدیل کرده، نبود سازوکارهای تنبیهی مؤثر و مشوق‌های هدفمند، عملاً سیاست ارزی کشور را خلع سلاح کرده است.

با وجود تأکیدهای مکرر دولت و بانک مرکزی بر ضرورت بازگشت ارز صادراتی، واقعیت‌های آماری و شواهد میدانی نشان می‌دهد سیاست‌گذار همچنان فاقد سازوکارهای بازدارنده و مؤثر برای مقابله با این تخلف گسترده است؛ تخلفی که در عمل نه‌تنها هزینه‌زا نیست، بلکه به دلیل اختلاف نرخ ارز، برای صادرکنندگان متخلف به‌شدت سودآور شده است.

عدم بازگشت ارز صادراتی در سال‌های اخیر، از یک تخلف محدود به یک رویه پرتریسک اما پربازده برای بخشی از صادرکنندگان تبدیل شده است. اختلاف معنادار نرخ ارز در سامانه‌های رسمی با بازار آزاد، انگیزه‌های قوی ایجاد کرده تا ارز حاصل از صادرات به چرخه رسمی بانزگردود در بازارهای غیررسمی با حساب‌های خارجی رسوب کند؛ آن‌هم بدون مواجهه با تنبیه مؤثر.

#### دولت متخلف، مشوق‌ها فعال

مسئله اصلی اتجاست که دولت عملاً ابزار تنبیهی متناسب با این تخلف در اختیار ندارد یا از ابزارهای موجود استفاده نمی‌کند. در شرایطی که سود ناشی از عدم بازگشت ارز گاه به ده‌ها درصد می‌رسد، تهدیدهای اداری یا وعده پیگیری قضایی، بانزاندگی لازم را ایجاد نمی‌کند.

در چنین قضایی، این پرتریسش جدی مطرح است که چرا سیاست‌گذار از ابزارهای اقتصادی مستقیم استفاده نمی‌کند؟ به عنوان نمونه، دولت می‌تواند برای صادرکنندگانی که تعهد ارزی خود را ایفای نمی‌کنند، قیمت کارت خوراک و سوخت را با ضرب‌های سنگین. حتی تا ۱۰ برابر افزایش دهد؛ آن‌هم به‌صورت دلاری، نه ریالی. اقدامی که مستقیماً اغلاف ناشی از عدم بازگشت ارز را هدف قرار می‌دهد و می‌تواند تراز هزینه. فایده متخلفان را برهم بزند.

#### نقش شرکت‌های دولتی و خصوصی در تعمیق بحران

بر اساس اظهارات وزیر اقتصاد، بخشی از ارزهای بانزگشته متعلق به شرکت‌های زیرمجموعه دولت، شرکت‌های خصوصی و نیمه‌دولتی است؛ موضوعی که حساسیت ماجرا را دوچندان می‌کند. وقتی بانزگران وابسته به دولت خود در بازگشت ارز تعلل می‌کنند، انتظار تمکین از بخش خصوصی نیز عملاً بی‌پشتوانه می‌شود. در همین راستا، وزیر اقتصاد اعلام کرده است: «برخی شرکت‌های دولتی و خصوصی از صادراتی را برنگردانده‌اند و با اقدامات وزارت اقتصاد و دولت و براساس قوانین، ملزم به بازگشت ارز خواهند شد؛ ضمانت اجرایی این موضوع، الزامات مالیاتی و ابزارهای قضایی است.» با این حال، تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد اتکای صرف به ابزارهای مالیاتی و قضایی، آن‌هم با فرآیندهای طولانی و پرهزینه، نتوانسته مانع تداوم این پدیده شود.

#### منابع قفل‌شده در تراستی‌ها؛ پیارانه یا واقعیت؟

بخش دیگری از رزه‌ای بانزگشته، به گفته مسئولان، در حساب‌های تراستی یا ساختارهای مالی خارج از دسترس قفل شده است. هرچند دولت وعده داده برای آزادسازی و بازگشت این منابع اقداماتی انجام خواهد داد، اما نبود جدول زمان‌بندی شفاف و گزارش‌های دوره‌ای، این وعده‌ها را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است.



## پشت پرده چرخه تکراری نرخ گذاری خودرو

طبق آخرین آمار، شمار ثبت‌نام‌کنندگان یازدهمین مرحله فروش محصولات ایران خودرو از مرز ۱۰ میلیون نفر عبور کرده است؛ رقمی کم‌سابقه که در آستانه بسته شدن سامانه فروش، بار دیگر شکاف عمیق میان عرضه و تقاضا در بازار خودرو را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد بازار خودرو همچنان اسیر ساختارهای ناکارآمد، قیمت‌گذاری دستوری و چرخه‌ای تکراری از افزایش قیمت است.

**قرعه‌کشی؛ نشانه‌ای از بحران مزمن**

رشد چند میلیونی تقاضا در هر مرحله فروش، بیش از آنکه نشانه افزایش رفاه یا قدرت خرید خانوارها باشد، بازتابی از شکاف قیمتی میان کارخانه و بازار آزاد است. تا زمانی که این شکاف پابرجاست، ثبت‌نام در طرح‌های فروش خودروها داخلی محسوب می‌شود. این چرخه باطل را می‌توان در پنج مرحله اصلی توضیح داد. کاهش عرضه و گران‌سازی بازار با یانه‌انه ارز؛ نخستین حلقه این چرخه، کاهش عرضه در ماه‌های پیش از فروش‌های بزرگ است. خودروسازان با آستانه به نوسانات نرخ ارز، افزایش هزینه‌های تولید، کمبود قطعات یا مشکلات نقدیگی، عرضه خودرو به بازار را محدود می‌کنند. این کاهش عرضه، به‌سرعت خود را در بازار آزاد نشان می‌دهد و قیمت‌ها صعودی می‌شود. در واقع، بازار پیشاپیش برای پذیرش قیمت‌های بالاتر آماده می‌شود، حتی پیش از آنکه افزایش رسمی قیمت اعلام شود.

برگزاری قرعه‌کشی و شکل‌گیری صف‌های میلیونی؛ در مرحله دوم، فروش از مسیر قرعه‌کشی انجام می‌شود. قیمت کارخانه‌ای که به‌طور دستوری پایین‌تر از بازار آزاد تعیین شده، انگیزه‌ای قوی برای ثبت‌نام ایجاد می‌کند. نتیجه، صف‌های چند میلیونی متقاضیان است؛ صف‌هایی که خود به‌عنوان نشانه‌ای از «تقاضای بالا» معرفی می‌شوند، در حالی که بخش قابل توجهی از این تقاضا، صرفی واقعی نیست و ریشه در اختلاف قیمت دارد. عرضه قطره‌چکانی و افزایش نارضایتی؛ مرحله سوم، عرضه محدود و تدریجی خودرو به برندگان قرعه‌کشی است. فاصله زمانی طولانی بین ثبت‌نام تا تحویل، تغییر شرایط فروش و ابیام و نارضاحی، موجب سرخوردگی و نارضایتی متقاضیان می‌شود. میلیون‌ها نفر که در قرعه‌کشی بازنده شده‌اند یا نارضاحی انتظار تحویل مانده‌اند، به جمع معترضان خاموش بازار خودرو می‌پیوندند. استفاده از نارضایتی به‌عنوان اهرم فشار؛ در گام چهارم، همین صف تقاضا و حجم نارضایتی، به اهرم فشاری برای دریافت مجوز افزایش قیمت تبدیل می‌شود. استدلال غالب این است که قیمت‌های فعلی پاسخگوی هزینه‌های تولید نیست و اگر قیمت اصلاح نشود، عرضه پیش از این کاهش خواهد یافت. در این نقطه، سیاست‌گذار در برابر دوگانه «افزایش قیمت یا تشدید کمبود» قرار می‌گیرد. بازگشت به نقطه آغاز؛ پس از صدور مجوز افزایش قیمت، چرخه دوباره از ابتدا آغاز می‌شود. قیمت‌ها بالا می‌رود، مدتی عرضه محدود می‌شود، بازار آزاد ملتهب می‌گردد و در نهایت، قرعه‌کشی جدید با صف‌های طولانی ترشکل می‌گیرد. نتیجه، بازتولید همان مشکلات پیشین در سطحی بالاتر از قیمت و نارضایتی است.

**چشم‌انداز مهم بازار**

رکورد شکنی ۱۰ میلیونی متقاضیان در یازدهمین مرحله فروش ایران خودرو، هشدار جدی برای سیاست‌گذاران است. تا زمانی که اصلاحات ساختاری در حوزه قیمت‌گذاری، افزایش واقعی تولید، شفافیت در عرضه و حذف سازوکارهای رانتی صورت نگیرد، قرعه‌کشی‌ها نه فقط مسکن بازار خواهند بود، بلکه خود به بخشی از مشکل تبدیل می‌شوند. بازار خودرو امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند تصمیمات شجاعانه و مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی است؛ تصمیماتی که این چرخه معیوب را متوقف کرده و خودرو را از یک کالای سرمایه‌ای، به کالایی مصرفی و در دسترس تبدیل کند. در غیر این صورت، رکوردهای میلیونی ثبت‌نام همچنان تکرار خواهد شد؛ بی‌آنکه گره‌ای از مشکلات ریشه‌دار این بازار گشوده شود.



## انتظار برای واردات خودرو ۹ ماهه شد

۹ ماه از سال گذشت و واردات خودرو هنوز معلق است؛ اختلاف وزارت صمت و بانک مرکزی مانع تخصیص ارز مصوب بوده‌جه شده است.

باورود به ماه دهم سال، وضعیت واردات خودرو همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد؛ تعریفی که نه به دلیل نبود قانون، نه فقدان آیین‌نامه اجرایی و نه کمبود متقاضی شکل گرفته، بلکه به علت یک فاصله جدی میان تصمیم‌گذاری کلان و اراده عملی دستگاه‌های اجرایی است. قانون بودجه سال ۱۴۰۴ به‌صراحت تکلیف اختصاص ۲ میلیارد دلار از برای واردات خودرو را مشخص کرده‌است و آیین‌نامه اجرایی آن نیز پس از کش و قوس‌های حقوقی، با اصلاحات مورد نظر دیوان عدالت اداری و تأیید مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است. براساس این قانون، منابع ارزی می‌بایست به‌صورت فصلی در اختیار واردکنندگان قرار گیرد تا ضمن تنظیم بازار، امکان رقابت و تنوع خودروها در کشور فراهم شود. با این حال، واقعیت بازار نشان از توقف کامل واردات خودرو دارد. به گفته عاملی معاون صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات وزارت صمت، علی‌رغم ثبت سفارش‌های انجام‌شده و آماده بودن زیرساخت‌های سامانه‌ای، بانک مرکزی تاکنون از مورد نیاز واردات را تخصیص نداده‌است و پیش از ۱۰ هزار ثبت سفارش بلا تکلیف باقی مانده‌اند. این موضوع، مسیر قانونی و مصوب واردات خودرو را به یک وضعیت بلا تکلیف و پرابهام تبدیل کرده‌است. فارغ از اینکه مسئول مستقیم این توقف کدام نهاد است، مسئله اصلی به یک سیاست‌گذاری و اراده اجرایی بازمی‌گردد. وزارت صمت در این مسیر نقش خود را تئوین آیین‌نامه، ایجاد زیرساخت‌ها و پیگیری تخصیص ارز معرفی می‌کند و بانک مرکزی نیز با تأکید بر محدودیت‌های ارزی، بر اولویت بندی منابع تأکید دارد. نتیجه این برخورد، توقف فرآیند واردات و ایجاد یک فاصله بزرگ میان قانون، وعده و اجراست. آنچه این وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند، نبود اراده جمعی برای عملیاتی کردن واردات خودرو است. هر روز یک دلیل تازه برای تأخیر مطرح می‌شود؛ مشکلات تعرفه‌ای، ابیهامات آیین‌نامه‌ای، محدودیت منابع ارزی یا چالش‌های نظارتی. این پیش‌گامی و تغییر مداوم تایلیم، به‌وضوح نشان می‌دهد که واردات خودرو در پی آن‌که یک ابزار واقعی تنظیم بازار باشد، به‌عنوان یک ابزار کنترلی یا نمایشی سیاست‌گذارانه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

■ چهارشنبه ۳ دی ۱۴۰۴

■ ۳ رجب ۱۴۴۷

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ ۲۴ December ۲۰۲۵

■ شماره ۳۵۸

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲

■ روابط عمومی: ۰۶۹۰۹۲۱۳۹۰۶۹

■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸ ■ آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶



# ریشه فشار ارزی در کجای کشاورزی است؟

## گزارش

باوجود تأکید مکرر رهبر انقلاب بر اهمیت کشاورزی، خودکفایی و امنیت غذایی، آمارها نشان می‌دهد بخش کشاورزی ایران با ناترازی عمیق در سرمایه‌گذاری و تأمین نهاده‌ها مواجه است؛ ناترازی‌ای که امروز خود را در وابستگی سنگین ارزی و فشار بر بازار ارز نشان می‌دهد.

بخش کشاورزی همواره یکی از ارکان راهبردی اقتصاد ایران بوده است؛ بخشی که نه تنها در تولید غذا، بلکه در اشتغال، پایداری اجتماعی، امنیت ملی و تاب‌آوری کشور در شرایط بحران و جنگ نقش تعیین‌کننده دارد، با این حال، شواهد آماری و سیاستی نشان می‌دهد میان جایگاه راهبردی کشاورزی در اسناد بالادستی و رفتار واقعی سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری شکافی عمیق شکل گرفته است.

به‌گفته کارشناسان، ایران امروز با نوعی «ناترازی سیاستی» در بخش کشاورزی روبه‌روست؛ ناترازی‌ای که پیامد آن وابستگی روزافزون به واردات نهاده‌های دامی، فشار ارزی، تضعیف تولیدکننده داخلی و در نهایت آسیب‌پذیری امنیت غذایی است. براساس داده‌های رسمی، سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی ایران حدود ۷ تا ۱۰ درصد برآورد می‌شود، در حالی که این بخش بیش از ۲۵ درصد اشتغال کشور را به خود اختصاص داده است، با وجود این، سهم کشاورزی از کل سرمایه‌گذاری انجام‌شده در اقتصاد درآمدمتخصصی منابع در اقتصاد را محتل کرده‌است. شکافی معنادار که به‌روشنی از عدم توازن در تخصیص منابع حکایت دارد.

در سال ۱۴۰۲، کل سرمایه‌گذاری انجام‌شده در بخش کشاورزی حدود ۲۴ همت بوده، در حالی که بخش خدمات به تنهایی بیش از ۴۱۵۵ همت سرمایه جذب کرده و حدود ۷۸ درصد از کل سرمایه‌گذاری انجام‌شده در بخش کشاورزی بوده‌است، در حالی که نشان می‌دهد اقتصاد ایران به جای حرکت به سمت

تولید، به سمت فعالیت‌های تجاری، مالی و غیرمولد سوق پیدا کرده‌است.

یکی از پارادوکس‌های مهم بخش کشاورزی ایران، خودکفایی نسبی در تولید برخی محصولات نهایی و وابستگی شدید در نهاده‌های تولید است. ایران در تولید گوشت مرغ، تخم‌مرغ، شیر و حتی گوشت قرمز به سطح بالایی از خودکفایی رسیده است؛ به‌گونه‌ای که در برخی اقلام، خودکفایی به ۹۰ تا ۱۰۰ درصد می‌رسد.

اما تصویر در حوزه نهاده‌های دامی کاملاً متفاوت است. خودکفایی کشور در جو حدود ۵۶ درصد، در ذرت کمتر از ۱۰ درصد در دانه‌های روغنی و سویا حدود ۵ تا ۶ درصد برآورد می‌شود، این وابستگی، کشور را ناگزیر از تخصیص حجم عظیمی از منابع ارزی برای واردات نهاده‌ها کرده‌است.

براساس آمارها، در سال ۱۴۰۱ حدود ۱۲ میلیارد دلار ارز برای واردات نهاده‌های دامی تخصیص یافته‌است و در سال ۱۴۰۲ تنها واردات ذرت دامی رقمی نزدیک به ۴ میلیارد دلار را به خود اختصاص داده‌است. طبق گزارش‌های اخیر بانک مرکزی، در هفت تا هشت ماه نخست امسال، حدود ۳۵ میلیارد دلار واردات انجام شده تا ۲۶ درصد آن مربوط به کالاهای اساسی از جمله ذرت و دانه‌های روغنی بوده‌است؛ رقمی که تا پایان سال می‌تواند به ۱۶ تا ۱۵ میلیارد دلار برسد.

### فشار بر بازار ارز و ریشه ارز ترجیحی

کارشناسان معتقدند ریشه بخش قابل توجهی از فشار بر بازار ارز و تداوم سیاست ارز ترجیحی، نه در «صرف»، بلکه در ناتوانی ساختاری تولید داخلی نهاده‌ها نهفته است. وقتی تولید داخلی وجود ندارد، واردات اجتناب‌ناپذیری می‌شود و واردات نیز نیازمند ارز است؛ مسیری که در نهایت به تداوم تخصیص ارز ترجیحی، رانت، فساد و فشار بر منابع ارزی منجر می‌شود، به‌باین دیگر، مسئله ارز ترجیحی بیش از آنکه یک مشکل پولی باشد، بازتاب یک بحران تولیدی و حکمرانی در بخش کشاورزی است.

برای ارتقای ضریب خودکفایی محصولات اساسی تعیین شده است. براساس این برنامه، قرار است ضریب خودکفایی کالاهای اساسی به حدود ۹۰ درصد برسد و خودکفایی نهاده‌هایی مانند ذرت و دانه‌های روغنی تا ۴۰ درصد افزایش یابد.

اما به اعتقاد کارشناسان، تحقق این اهداف بدون جهش سرمایه‌گذاری و اصلاح ساختار حکمرانی، با تردید جدی مواجه است. تجربه برنامه‌های پیشین نشان داده‌است که فقدان نظام مسئولیت‌پذیری و نظارت، موجب می‌شود در پایان برنامه‌ها، هیچ نهادی پاسخگوی عدم تحقق اهداف نباشد.

### تعارض منافع؛ گره‌گور حکمرانی کشاورزی

یکی از چالش‌های بنیادین بخش کشاورزی، تعارض منافع گسترده در حکمرانی است. در حوزه آب، وزارت نیرو هم‌زمان نقش حاکمیتی و بنگاه اقتصادی را ایفا می‌کند؛ نهادی که هم مسئول فروش آب است و هم سیاست‌گذار آن. این تعارض، به کاهش سهم آب کشاورزی و انتقال آن به بخش صنعت باقیمت بالاتر منجر شده و به‌جای تمرکز بر آبخیزداری و آبخوان‌داری، منطق درآمدی را حاکم کرده‌است. در حوزه واردات نهاده‌ها نیز تعارض منافع میان منافع عمومی و منافع برخی واردکنندگان بزرگ وجود دارد؛ وضعیتی که به اختلال در عرضه، احتکار، تأخیر در ترخیص و حتی فساد نهاده‌ها در بنادر منجر شده است.

### اختلال نهاده و ضربه به تولید

پیامد این حکمرانی معیوب، در سال‌های اخیر به‌وضوح در بازار مشاهده شده‌است. اختلال در تأمین نهاده‌های دامی، موجب کشتار دام مولد، افزایش تلفات طیور و بحران در صنعت مرغداری شده‌است؛ بحرانی که نه تنها تولیدکننده را زمین‌گیر کرده، بلکه کل زنجیره تأمین غذا را مختل کرده‌است.

در برخی موارد، مرغداران به دلیل عدم تخصیص نهاده، با مرگ‌ومیر گسترده طیور مواجه شده و در نهایت، قادر به ایفای تعهدات بانکی خود نبوده‌اند؛ وضعیتی که نشان می‌دهد اختلال نهاده، صرفاً یک مسئله بخشی نیست، بلکه تهدیدی برای نظام مالی و اشتغال نیز محسوب می‌شود.

### زنجیره توزیع؛ سود برای دلال، زیان برای کشاورز

یکی دیگر از چالش‌های مهم، نظام ناکارآمد توزیع منافع در زنجیره کشاورزی است. در بسیاری از محصولات، کشاورز ناچار است محصول خود را در زمان برداشت، با قیمت پایین بفروشد؛ در حالی که همان محصول، چند برابر قیمت در بازار مصرف عرضه می‌شود.

نمونه‌هایی مانند بازار پیسته نشان می‌دهد که کشاورز در زمان برداشت، محصول را با قیمت‌هایی بسیار پایین‌تر از قیمت نهایی بازار می‌فروشد، در حالی که بخش عمده سود نصیب واسطه‌ها و دلالان می‌شود. این ساختار، انگیزه سرمایه‌گذاری و ماندگاری در بخش کشاورزی را به شدت تضعیف کرده‌است.

از منظر عقلانیت اقتصادی، سرمایه به سمتی حرکت می‌کند که بازدهی بالاتر و ریسک کمتر داشته باشد. مقایسه بازدهی دارایی‌هایی مانند طلا، ارز و سپرده بانکی با کشاورزی نشان می‌دهد چراسرمایه‌گذار ترجیح می‌دهد از این بخش فاصله بگیرد. در چند دهه اخیر، بازدهی سرمایه‌گذاری در طلا و ارز به‌مراتب بالاتر از تولید بوده‌است؛ وضعیتی که موجب شده‌است فعالیت‌های غیرمولد جذاب‌تر از تولید کشاورزی باشند، در چنین شرایطی، انتظار ورود سرمایه به بخش کشاورزی بدون اصلاح ساختارهای کلان اقتصادی، انتظاری غیرواقع‌بینانه است.

### راهبردهای اصلاح؛ از یارانه واردات تا یارانه تولید

یکی از راهبردهای کلیدی، تبدیل یارانه واردات به یارانه تولید است. در زمان حاضر، سالانه میلیاردان دلار ارز برای واردات نهاده‌های دامی هزینه می‌شود؛ منابعی که اگر به‌درستی به تولید داخلی نهاده‌ها هدایت شود، می‌تواند هم وابستگی ارزی را کاهش دهد و هم فشار بر بازار ارز را کم کند.

همچنین راهبرد جایگزینی واردات نهاده‌ها، توسعه گلخانه‌های هوشمند، کشت فراسرزمنه‌ی هدفمند و تمرکز بر مزیت‌گرایی هوشمند منطقه‌ای، از جمله راهکارهای مطرح‌شده برای ارتقای امنیت غذایی است.

**امنیت غذایی؛ مسئله‌ای فراتر از اقتصاد**
در نهایت، کارشناسان تأکید دارند که امنیت غذایی صرفاً یک موضوع اقتصادی نیست، بلکه مولفه‌ای از امنیت ملی است. تجربه جنگ‌ها و بحران‌های جهانی نشان داده‌است که کشوری که تأمین غذای خود وابسته باشد، در شرایط بحران با آسیب‌پذیری جدی مواجه خواهد شد. از این منظر، نام‌گذاری سال به عنوان «سرمایه‌گذاری برای تولید؛ فرصتی برای بازنگری اساسی در سیاست‌های کشاورزی است؛ بازنگری‌ای که اگر به اصلاح حکمرانی، هدایت منابع مالی و تقویت تولید داخلی منجر نشود، می‌تواند هزینه‌های سنگینی برای کشور به همراه داشته باشد.

## ”

### مسئله ارز ترجیحی بیش از آنکه یک مشکل پولی باشد، بازتاب یک بحران تولیدی و حکمرانی در بخش کشاورزی است. در برنامه هفتم توسعه، ذیل فصل امنیت غذایی، اهداف مشخصی برای ارتقای ضریب خودکفایی محصولات اساسی تعیین شده‌است

## تحول در سبد تأمین گاز ترکیه؛ هشدار راهبردی برای ایران

تحول ساختاری در بازار گاز ترکیه با تکیه بر افزایش تولید داخلی و گسترش قراردادهای انعطاف‌پذیر LNG، فضای بازار را برای صادرکنندگان سنتی گاز به‌طور معناداری محدود کرده‌است. این تغییر، موقعیت صادرات گاز ایران به ترکیه را تضعیف کرده و تمديد قراردادهای موجود را با منطبق‌گذاشته عملاً غیر قابل اتکا ساخته‌است. در چنین شرایطی، بازطراحی سیاست صادرات گاز ایران با تمرکز بر انعطاف قراردادی، تنوع بخشی به ابزارهای حضور در بازار و پذیرش نقش LNG، ضرورتی راهبردی محسوب می‌شود. به گزارش مسیر اقتصاد، تحولات اخیر در بازار گاز ترکیه نشان‌دهنده تغییر بنیادین در الگوی تأمین انرژی این کشور است. افزایش تولید داخلی گاز، توسعه گسترده واردات LNG با قراردادهای متنوع و انعطاف‌پذیر و هم‌زمانی این تحولات با انقباض قراردادهای خط لوله، موجب کاهش ساختاری فضای بازار برای صادرکنندگان سنتی گاز شده‌است. این روند، به‌ویژه برای ایران که صادرات گاز ترکیه یکی از معدود مسیرهای فعال صادراتی آن محسوب می‌شود، پیامدهای راهبردی جدی به همراه دارد. بازطراحی سیاست صادرات گاز ایران، از منظر قراردادی، قیمتی و زنجیره ارزش، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در مواجهه با این شرایط جدید است.

### تغییر بازار امنیت انرژی ترکیه

الگوی تأمین گاز ترکیه طی دهه‌های گذشته مبتنی بر واردات خط لوله از چند تأمین‌کننده محدود بوده‌است. با این حال، در سال‌های اخیر رویکرد امنیت انرژی این کشور به‌طور معناداری دستخوش تغییر شده است. ترکیه هم‌زمان سه مسیر مکمل را دنبال کرده‌است: افزایش تولید داخلی، تنوع بخشی به منابع وارداتی و افزایش انعطاف‌پذیری قراردادهای گاز. در سپتامبر ۲۰۲۵، شرکت دولتی گاز ترکیه، بوتاس (Botas)، ۹ قرارداد جدید تأمین LNG به امضا رساند و همچنین یک توافق اولیه منعقد کرد که می‌تواند از سال ۲۰۲۰ به بعد به انعقاد یک قرارداد بزرگ دیگر برای تأمین این گاز منجر شود. این ۹ قرارداد جدید در ادامه امضای چهار قرارداد جدید تأمین LNG در بازه آوریل تا سپتامبر ۲۰۲۴، تمديد قراردادهای بوتاس برای افزایش دستمزد تنها به از سال ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۷ در ژوئن ۲۰۲۴ و تمديد قرارداد تأمین LNG از الجزایر از سال ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۷ در نوامبر ۲۰۲۳ منعقد شدند. در کنار این تمديد ها و قراردادهای جدید، بوتاس در سپتامبر ۲۰۲۳ تولید گاز جدیدی را از میدان فراساحلی ساراکارد در دریای سیاه ترکیه آغاز کرد. انتظاری می‌شود که تولید کل گاز ترکیه از ۱۰ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۲۲ به حدود ۱۵ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۲۸ افزایش دهد. با توجه به اینکه رشد تولید داخلی گاز ترکیه سریع‌تر از رشد تقاضا خواهد بود، نیاز این کشور به واردات گاز در دوره ۲۰۲۴ تا ۲۰۳۰ به احتمال زیاد کاهش می‌یابد.

## ”

### مسئله ارز ترجیحی بیش از آنکه یک مشکل پولی باشد، بازتاب یک بحران تولیدی و حکمرانی در بخش کشاورزی است. در برنامه هفتم توسعه، ذیل فصل امنیت غذایی، اهداف مشخصی برای ارتقای ضریب خودکفایی محصولات اساسی تعیین شده‌است

## فاجعه معیشت کارگران در سایه شوک ارزی



فتاحتی اظهار داشت: لبنیات و میوه‌ها، شیر، پنیر و ماست نیز با افزایش قیمت روبه‌رو شده‌اند. مصرف میوه‌های فصلی و تجملی (مانند انواع مغزچرب‌ات و میوه‌های وارداتی که پیش‌تر نیز گران بودند) اما اکنون غیر قابل دسترس شده‌اند) به شدت کاهش یافته‌است. وی گفت: جایگزینی با کربوهیدرات‌ها، خانواده‌ها ناچارند برای سبزی، به سمت ارزان‌ترین کالری ممکن یعنی نان، برنج و سیب‌زمینی روی بیاورند. اگرچه این مواد کالری بدن را تأمین می‌کنند، اما ریزمغذی‌ها و ویتامین‌های ضروری برای سلامت بلندمدت جامعه را از دست می‌دهند. این تغییر الگو نه تنها بر سلامت بلندمدت جامعه اثر می‌گذارد، بلکه نشان‌دهنده یک فقر غذایی پنهان است؛ یعنی فرد به‌ظاهر سیراست، اما تغذیه مناسبی ندارد.

وی بیان کرد: این نشان‌دهنده یک شکست در سیاست‌های دستمزد و حمایت اجتماعی است. وقتی حقوق رسمی، حتی با افزایش‌های سالانه از تورم واقعی عقب می‌ماند، تنها راه‌بقا، کار بیشتر است. این پدیده، «فرار به جلو» نیروی کار است. از دیدگاه اقتصاد کلان، این امر به معنای افزایش نرخ مشارکت نیروی کار بدون افزایش متناسب در تولید ناخالص داخلی (GDP) است. مشکل اینجاست که این تلاش مضاعف، لزوماً به تولید و بهره‌وری اقتصادی کشور کمک نمی‌کند؛ بلکه اغلب به سمت «اشتغال کاذب» سوق پیدا می‌کند.

فتاحتی گفت: منظور مشاغلی است که ارزش افزوده‌ای در چارچوب تولید ملی ایجاد نمی‌کنند، بلکه صرفاً توزیع‌کننده واسطه هستند؛ مانند افزایش رانندگان تاکسی اینترنتی بدون نیاز واقعی یا افزایش دلالان در بازارهای کوچک که برای تأمین شگاف درآمدی ایجاد شده، وارد میدان می‌شوند. این مشاغل،